

اساسی‌ترین خواسته‌های قرآن از مخاطبانش بر مبنای شمارش افعال امر قرآن - بخش اول

خالد آذری

حواستان به خداوند باشد.

بر مبنای مطرح شده در مقدمه، این، اصلی‌ترین و اساسی‌ترین و پُر تکرارترین خواسته قرآن از مخاطبانش است. حواستان به خداوند باشد؛ برای کسی که ۲۰ سال پیش برای درآوردن همه برنامه زندگی‌اش از جمله ساعت خوابش از قرآن شروع به تحقیق کرده بود، هنوز هم یک مقدار غیر منتظره است. ظاهراً انتظار در آوردن یک توصیه کلی مانند ساعات خواب (به عنوان طولانی‌ترین زمان اختصاص یافته برای فعالیت‌های روزمره)، برای انسان با تفاوت‌های فراوانش، انتظار نادرستی است. توصیه‌های کلی از این جنس اند: حواستان به خداوند باشد. اینکه چکار می‌کنید و چگونه، در درجه دوم اهمیت است. مهم این است که هر چه می‌کنیم، هر چه می‌گوییم و هر چه در سر می‌پرورانیم، در هر حال، حواسمان به خداوند باشد.

حواستان به خداوند باشد؛ ترجمه‌ای است که برای **اتَّقُوا اللَّهَ** انتخاب کرده‌ام. ممکن است با ترجمه موافق نباشید، چنانکه پروا، پرهیز، ترس، خود کنترلی یا حس شرمساری هم آمده است! مسأله‌ای نیست! مراد من این است که این خواسته در قالب فعل امر "تقوا کنید" (از خداوند) در مجموع **۷۷ بار** در قرآن تکرار شده است که شامل این موارد می‌شود: **اتَّقُوا اللَّهَ** ۵۵ بار، **اتَّقِ اللَّهَ** ۳ بار، **وَلْيَتَّقِ اللَّهَ** ۲ بار، **فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ** ۱ بار، **وَأَتَّقِينَ اللَّهَ** ۱ بار، **اتَّقُونِ** ۵ بار، **اتَّقُوا رَبَّكُمْ** ۴ بار، **وَأَتَّقُوا الَّذِي** ۲ بار، **اتَّقَوْهُ** ۴ بار (فایل‌های پیوست). معیار من برای انتخاب "حواستان به خداوند باشد" در ترجمه فعل **اتَّقُوا** این بود که معادلی را به کار ببرم که جوان ایرانی امروز در مکالمات روزمره خود به کار ببرد. اگر بخواهم با توجه به نارسایی‌های ذاتی ترجمه، توضیحی بیفزایم این است: حواستان به خداوند باشد، طوری که منجر به حفظ و نگهداشت شما از بدی‌ها بشود.

اگر اهل خواندن متن‌های طولانی نیستید، می‌توانید خواندن را متوقف کرده و همین یک جمله را به خاطر بسپارید؛ حواستان به خداوند باشد. چرا که هیچ فعل امری با خطاب به جمع در قرآن به اندازه امر به تقوا تکرار نشده است. اصولاً آن ۳ شرطی را که برای شمارش افعال امر قرآن در مقدمه این مباحث مطرح کردم، می‌توانید در نظر بگیرید و فقط شرط خطاب به جمع را قرار دهید و آنگاه دوباره به این نتیجه می‌رسید که "حواستان به خداوند باشد" پُر تکرارترین امر قرآن است. اصولاً اگر هیچ شرطی برای شمارش افعال امر در نظر نگیرید، فقط فعل امر "قُلْ"، بالاتر از دعوت به تقوا قرار می‌گیرد که آن هم داستانش متفاوت است و مخاطب اصلی‌اش پیامبر است که قرار شد این گونه افعال در سطح بعد، معرفی شوند.

برای مقایسه، خوب است بدانیم که دعوت به اقامه نماز در قالب فعل امر "نماز را اقامه کنید" به صورت مفرد و جمع ۱۹ بار (یا ۱۸ بار بدون شمارش آیه ۳۱ سوره ابراهیم) در قرآن آمده است. اگر چه خوب است که دائم در نماز باشیم و ما نیستیم؛ اما عاداتاً سعی می‌کنیم که به حرمت این تعداد تکرار، یک ساعت در شبانه روز را مشخصاً به اقامه نماز اختصاص دهیم. برای ۷۷ بار دعوت به تقوی چه باید بکنیم؟ ۷۷ بار برای ۱۶ ساعت بیداری در هر شبانه روز، شاید معنی‌اش این باشد که هر ده پانزده دقیقه یکبار، از خود بپرسیم که حواسمان به خداوند هست؟ قرآن از ما می‌خواهد که حق تقوی را ادا کنیم (۱۰۲ آل عمران) و چون احتمالاً آنچنان که باید نمی‌توانیم؛ پس حداقل به قدر وسع بکوشیم (۱۶ تغابن).

در ۱۳ مورد دیگر با استفهام انکاری، در قالب تعبیرهای **أَلَا تَتَّقُونَ**، **أَفَلَا تَتَّقُونَ**، **أَلَا يَتَّقُونَ** و ... دعوت به تقوی شده که اوج آن در سوره شوری از زبان پیامبران مختلف (صالح، نوح، هود، لوط، شعیب و ..) است. گویا یادآور می‌شود که این دعوت، یک فصل مشترک پیامبران بوده است. و این‌ها غیر از ۷۷ مورد گفته شده است (فایل‌های پیوست).

در ۱۷ مورد دیگر، خود مصدر تقوی ذکر شده است که در اکثر آن موارد، "تقوی" به نیکی توصیف یا به گونه‌ای توصیه شده است. و این‌ها غیر از ۷۷ مورد گفته شده است (فایل‌های پیوست).

... وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ **التَّقْوَى** ... ۱۹۷ بقره

... وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ **وَالْتَّقْوَى** ... ۲ مائده

... وَتَنَجَّوْا بِالْبِرِّ **وَالْتَّقْوَى** ... ۹ مجادله

... أَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ **لِلتَّقْوَى** ... ۸ مائده

... وَأَنْ تَعْمُوا أَقْرَبُ **لِلتَّقْوَى** ... ۲۳۷ بقره

... وَلِبَاسُ **التَّقْوَى** ذَلِكَ خَيْرٌ ... ۲۶ اعراف

مفهوم تقوی در حدود ۶۰ آیه دیگر، در قالب توصیف نیک فعل تقوی ورزیدن آمده است. و این‌ها غیر از ۷۷ مورد گفته شده است (فایل‌های پیوست).

... وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً ... ۱۲۰ آل عمران

وَأَنْجَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا **يَتَّقُونَ** ۵۳ نمل

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ **تَتَّقُوا** اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا ... ۲۹ انفال

... وَمَنْ **يَتَّقِ** اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ۲ طلاق

... وَمَنْ **يَتَّقِ** اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا ۴ طلاق

وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْحَنَّةِ زُمْرًا ... ۷۳ زمر

... فَمَنِ اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۳۵ اعراف

لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ حَنْتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا ... ۱۹۸ آل عمران

لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرْفٌ مِّنْ فَوْقِهَا غُرْفٌ ... ۲۰ زمر

مفهوم تقوی در حدود ۵۰ آیه دیگر، در قالب صفت متقین به نیکی توصیف شده است. و این‌ها غیر از ۷۷

مورد گفته شده است (فایل‌های پیوست).

.... ^ط قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ۲۷ مائده

هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِلْمُتَّقِينَ ۱۳۸ آل عمران

وَإِنَّهُ لَتَذَكُّرٌ لِلْمُتَّقِينَ ۴۸ الحاقه

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي حَنْتٍ وَعُيُونٍ ۱۵ ذاریات

وَأُزْلِفَتِ الْحَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ ۹۰ شعرا

... فَأَصْبِرْ إِنَّ الْعَقِيبَةَ لِلْمُتَّقِينَ ۴۹ هود

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ۳۱ نباء

در این ۷۷ موضع، مخاطب دعوت به تقوی طیف‌های مختلفی مانند مردم، خردمندان، بندگان و ... غیره

هستند. اما اصلی‌ترین مخاطب این دعوت، یَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا است. به طور مشخص در ۱۶ آیه قرآن، که با

خطاب یَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا شروع شده اند؛ دستور اتَّقُوا اللَّهَ آمده است (فایل‌های پیوست). (اگر آیه‌های پیشین را

نیز در نظر بگیریم به راحتی تا ۳۰ آیه هم می‌رسد)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ۱۰۲ آل عمران

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ ۱۱۹ توبه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ۷۰ احزاب

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۲۷۸ بقره

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۱۸ حشر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۱ حجرات

اینکه بیشترین خطاب **اتَّقُوا اللَّهَ** متوجه کسانی می‌شود که راه پیمایی در مسیر ایمان را آغاز کرده اند، بسیار جالب توجه است. انگار بیشترین انتظار، از آنان است. راستش را بخواهید احتمال می‌دهم برای شخص من، گاهی داشتن برچسب مومن بودن به نوعی باعث جسارت بر گناه شده است! یعنی مواقعی با این توجیه که خُب این روزها همه این کار را می‌کنند، کار نادرستی را انجام داده‌ام. با این توجیه اضافی که من بر خلاف بقیه، از ایمان داران به خداوند هستم و به خاطر این امتیاز، احتمال بخشش من از دیگران بیشتر است! اگر دید امروز را داشتم شاید بیشتر مراقب بودم که انتظار خداوند از من بیشتر است و این خطاب، بیشتر متوجه من است که مبتدی این راهم و باید جوری حواسم به خداوند باشد که از بدی‌ها نگه داشته شوم و از دیگران به دوری از این کار بد سزاوارتر ام.

حواسمان به خداوند باشد؛ چون او همه چیز را می‌داند و همه چیز را دقیق می‌داند. نهانی‌ترین نقشه‌های ذهن مان، معنای سخنان دو پهلوی و کنایه‌امیز و هدفی که در پس آنان است، باطن و عمق کارهایی که انجام می‌دهیم. یادمان باشد در هنگام دعوت به تقوی، بیشتر از هر صفت دیگر خداوند، صفت علیم و هم خانواده‌های آن مانند خبیر، سمیع، بصیر، شهید و رقیب آمده است.

... **وَاتَّقُوا اللَّهَ** وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۲۸۲ بقره

... **وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ** ۱ حجرات

... **وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ** ۷ مائده

سخن در مورد مباحث دیگر حول محور تقوا در قرآن مانند آثار تقوا و بسیار نیازمند دقت و تدبر است و آنچه که از این به بعد گفته می‌شود بر مبنای یک سری ساده سازی است که توضیح داده می‌شود. اگرچه می‌توان اشاراتی به این گونه مفاهیم را در علامات و رنگ بندی‌های فایل پیوست با عنوان تقوی در قرآن دید. با این حال، بر مبنای یک سری ساده سازی می‌توان مباحث زیر را مطرح کرد:

الف – چه کنیم که به ما کمک کند اهل تقوی ورزیدن شویم؟

حال که تقوی ورزیدن اینقدر مهم است، آیا قرآن راهنمایی می‌کند که چه چیزی ما را در مسیر تقوی ورزیدن کمک می‌کند؟

به نظر می‌رسد که ذکر مبتنی بر کتاب آسمانی (قرآن)، اصلی‌ترین عاملی است که باعث کمک به تقویت تقوی ورزیدن می‌شود. این موضوع بر اساس آیات این حوزه که حاوی «لَعَلَّ» هستند، استنباط شده است.

قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۲۸ زمر

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ **ذِكْرًا** ۱۱۳ طه

أَوْعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِّنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۚ اعراف ٦٣
 وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ **وَأَذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ** ۚ بقره ٦٣
 وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ ... خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ **وَأَذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ** ۚ اعراف ١٧١

نکته قابل توجه این است که به نظر می‌رسد یک رابطه دوطرفه در این زمینه برقرار است؛ یعنی نه تنها ذکر مبتنی بر قرآن به تقوا کمک می‌کند، بلکه خود تقوا ورزیدن نیز موجب بهره‌مندی بیشتر از تذکار قرآن و مواظب آن می‌شود.

وَإِنَّهُ لَتَذْكُرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ ۚ ۴۸ الحاقه

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً **وَذِكْرًا لِلْمُتَّقِينَ** ۚ ۴۸ انبیا
 هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ **لِلْمُتَّقِينَ** ۚ ۱۳۸ آل عمران
 وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًا لِّمَنِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةٌ **لِلْمُتَّقِينَ** ۚ ۳۴ نور
 وَعَاتَيْنَاهُ الْأَنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ **لِلْمُتَّقِينَ** ۚ ۴۶ مائده

ب- جایگاه‌هایی که تقوی ورزیدن کمک کند که به آن‌ها برسیم کدامند؟

قبل از پاسخ به این پرسش، برای فهم بیشتر اهمیت آن، توجه شما را به دو آیه قرآن جلب می‌کنم.

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ۚ ۵۶ ذاریات

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۚ ۲۱ بقره

اینچنین بر می‌آید که کل داستان خلقت، برای گام برداشتن در مسیر عبادت بوده است. عبادت کنیم که چه بشود؟ که امکان تقوی ورزیدن ما را افزون می‌کند. حال تقوی بورزیم که چه شود؟ پاسخ به این پرسش، بر مبنای آیات این حوزه که حاوی «لعل» هستند، استنباط شده و مهمترین آن‌ها در زیر آمده است:

۱- شکوفا شدن (فلاح)

ظاهراً قرار بر شکوفا شدن ما بوده است. ظاهراً ما گل‌هایی هستیم اگر چه مختلف رنگ و بو؛ اما قرار بر شکوفا شدن است. درختانی اگر چه متفاوت، اما قرار این بوده است که در مسیر شکوفا شدن و ثمر دادن باشیم. تفاوت ما با گل و گیاه و درخت این است که خود می‌توانیم سهمی در این شکوفا شدن داشته باشیم. ممکن است با این ترجمه از فلاح موافق نباشید و همان ترجمه رایج رستگاری را بیشتر بپسندید. در هر صورت، مقصود، همان فلاح است.

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا **وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ** ۚ ۱۸۹ بقره

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ ۱۳۰ آل عمران

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ ۲۰۰ آل عمران

قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَأُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ ۱۰۰

مائده

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ ۳۵ مائده

اگر بخواهیم بحث را فلسفی تر بکنیم، می‌توان پرسید که شکوفا شویم که چه بشود؟ چون قبلاً گفتیم که ظاهر قرآن بر این است که داستان خلقت، برای عبادت بوده است و عبادت کمک می‌کند که تقوی بورزیم و تقوی وزیدن به شکوفا شدن ما کمک می‌کند. قرآن ظاهراً این مسیر را ادامه نمی‌دهد. توصیف قرآن این است که بهتر است ما شکوفا شویم، بدون توضیح مرحله بعد! شاید مرحله نهایی است. شکوفا شوید تا فلانی، یافت نمی‌شود. توصیف غریبی است! همانطور که کسی از گلی نمی‌پرسد که چرا شکوفا شده است و شکوفا شده است که چه!

بر مبنا توضیح داده شده، هیچ عامل دیگری، به اندازه تقوی ورزیدن احتمال شکوفا شدن (فلاح) را بیشتر نمی‌کند. نزدیک‌ترین مفهوم مشابه که به فلاح و شکوفایی کمک می‌کند «ذکر» است که ۳ بار در این زمینه مورد اشاره قرار گرفته است (اعراف: ۶۹؛ انفال: ۴۵؛ جمعه: ۱۰). و البته، یادمان باشد که "ایمان" لازمه مقدماتی تقوا است. نکته حاشیه‌ای قابل توجه در این بحث این است که هیچ چیز مانند ظلم کردن، ما را از شکوفا شدن دور نمی‌کند. (انعام: ۲۱ و ۱۳۵؛ یوسف: ۲۳؛ قصص: ۳۷).

۲- بهره‌مندی از رحمت خداوند

دومین جایگاه مهمی که تقوی ورزیدن کمک می‌کند که وارد آن شویم، کوی مهر خداوند است و به نظر توضیحی بیشتر از آیات زیر لازم نیست.

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۝ ۱۰ حجرات

وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مَبَارَكٌ فَاتَّبِعُوا ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۝ ۱۵۵ انعام

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۝ ۴۵ یس

ج- توصیف رابطه خداوند و متقین

حال اگر تقوا ورزیدیم و آنچنان پیش رفتیم که بتوان وصف متقین را برای ما جاری کرد چه احوالی خواهیم داشت؟ در این زمینه باز تکرار می‌کنم که پاسخ درست به این سوال، نیازمند دقت و تدبر است و آنچه که از این به بعد گفته می‌شود بر مبنای یک سری ساده سازی است که توضیح داده می‌شود (اگرچه می‌توان اشاراتی

در این زمینه را در فایل پیوست با عنوان تقوی در قرآن دید). با این حال، بر مبنای یک سری ساده سازی می‌توان مبحث زیر را مطرح کرد:

به نظر می‌رسد بعد از رسیدن به مرحله تثبیت تقوی در فرد، روابط خاصی بین خداوند و متقین شکل می‌گیرد که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره شده است.

۱- همراهی و معیت خداوند

یک نوع همراهی در قرآن ذکر می‌شود که از نوع ارزش گذاری نیست و یک نوع بودن چیزی با دیگری به صورت طبیعی است. اما در قرآن سخن از یک همراهی و معیت ارزشمند خداوند با گروه‌هایی از خوبان نیز می‌شود که بسیار دلنشین است. در قرآن با تعبیر ... **اللَّهُ مَعَكُمْ** ... گروه‌های مختلفی نوازش شده اند که صدرنشین آن‌ها متقین هستند.

... فَمَنْ أَعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا أَعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ۱۹۴ بقره

إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ وَقَتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقْتُلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ۳۶ توبه
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ۱۲۳ توبه

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ ۱۲۸ نحل

این معیت خداوند، هم شامل کسانی است که شروع به گام برداشتن در مسیر تقوی ورزیدن کرده اند و هم حد اعلای آن شامل کسانی است که این صفت در آن‌ها تثبیت شده است. از این نظر و با مبنا قرار دادن این عبارت قرآنی، فقط گروه صابرين با ۴ بار نوازش با این تعبیر، هم‌رتبه‌ی آن‌ها محسوب می‌شوند. در واقع، رقیب هم‌رتبه‌ی متقین در این حوزه، صابرين هستند و هیچ گروه مشخص دیگری بالاتر قرار نمی‌گیرد.

۲- دوست داشته شدن توسط خداوند

چه دوستی بشود که دوست دار آن خداوند است. و خوشا حال دوست داشته شدگان خداوند. متقین، محبوبین خداوند هستند.

بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ۷۶ آل عمران
إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا فَأَتُوا إِلَيْهِمْ عَهْدُهُمْ إِلَىٰ مَدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ۴ توبه

.... إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقِيمُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ۷ توبه

لازم به ذکر است با مبنا قرار دادن تعبیر " ...اللَّهُ يُحِبُّ... " در این حوزه و با توجه به ۵ بار تکرار آن برای محسنین، آنان در رده بالاتر از متقین قرار می‌گیرند. همچنین، مقسطین با ۳ تکرار، هم‌رتبه‌ی متقین هستند.

۳- توجه خداوند و آگاهی به احوال

تقوا باعث توجه و آگاهی ویژه خداوند نسبت به انسان می‌شود. در قرآن، تعبیر «...اللَّهُ عَلِيمٌ بِ...» در وجه مثبت و گروهی، تنها برای متقین به کار رفته است که نشان دهنده توجه خاص خداوند به اعمال، نیت‌ها و احوال متقیان است. این وضعیت بیانگر نوعی حمایت و مراقبت الهی از متقیان در زندگی آن‌ها است.

وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ **وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ** ۱۱۵ آل عمران

لَا يَسْتَعِذُّكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ **وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ** ۴۴ توبه
... إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ **الْمَغْفِرَةِ** هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ ... فَلَا تَزْكُوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ **اتَّقَى** ۳۲ نجم

علاوه بر این‌ها ذکر می‌شود که خداوند ولی متقیان است (۱۹ جاثیه). اگر چه در مراحل با تثبیت تقوی در فرد می‌توان صفت متقی را به کار برد؛ اما باید یادمان باشد که نردبان تقوا، بی انتها است. نردبانی که گام نهادن در آن، از هر معیار دیگری برای فهم جایگاه مان در نزد خداوند گویا تر است. نزد او دیگر معیارهای معمول جنسیتی و نژادی و ... رایج در دنیا رنگ می‌بازد و هر که گام‌های بیشتری در این مسیر برداشته باشد جایگاه والاتری نزد خداوند دارد.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا **إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ**
إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ۱۳ حجرات

د- نشانه‌های متقین

بعد از تقوی ورزیدن و راه پیمایی در مسیر تقوی، انسان می‌تواند به مقام متقی نزدیک شود. آیا نشانه‌هایی وجود دارد که بر مبنای آن بتوانیم خودمان را ارزیابی کنیم که چقدر به این مقام نزدیک شده ایم؟ موکداً تکرار می‌کنم پاسخ دقیق به این نوع سوالات نیازمند بررسی کامل همه آیات از جوانب مختلف است. اما بر مبنای یک ساده سازی پاسخ من به صورت زیر است: (در این ساده سازی از آیاتی استفاده شده است که ابتدا ذکری از متقین شده و سپس آیاتی در توصیف متقین آورده شده است. یا اینکه ابتدا توصیفاتی آورده شده است و سپس به صراحت **أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ**، این صفات به اهل تقوی نسبت داده شده اند).

۱- بر خلاف آنچه که ممکن است انسان از حال متقی به عنوان یک زاهد گوشه گیر و امثال آن تصور کند، بر مبنای گفته شده، قرآن، بیشترین نشانه‌های متقی را اهل عمل بودن آن توصیف می‌کند. متقی حضور فعال در عرصه عمل دارد. مشخصاً تمرکز متقی بر انجام عمل نیک است. طبیعتاً حضور در عرصه عمل، همراه با

اشتباهاتی می‌شود که لازمه تقوا عدم اصرار آگاهانه بر آن‌ها و بازگشت و استغفار است. اگر بخواهیم مصداقی‌تر از این شاخص صحبت کنیم به نظر می‌آید که انفاق بزرگترین مصداق این اعمال نیک است.

۲- اهل نماز بودن

۳- اهل ایمان بودن

نشانه های متقین

(بر مبنای ۲ تا ۵ بقره، ۱۷۷ بقره، ۱۳۳ تا ۱۳۶ آل عمران، ۳۱ و ۳۲ نحل،

۴۹ انبیا، ۱۵-۱۹ ذاریات، ۳۲ تا ۳۵ زمر، ۱۷ تا ۲۱ لیل)

۱- اهل عمل ← احسان و نیکی ← بزرگترین مصداق آن "انفاق"
(و در صورت اشتباه، استغفار)

۲- نماز

۳- ایمان